

روانشناسی توده‌ها

گوستاو لوبون
کیومرث خواجهیها

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیشگفتار
۲۷	دیباچه‌ای بر چاپ نخست
۳۳	مقدمه: عصر توده‌ها
	کتاب اول
۴۳	روان توده‌ها
	بخش اول: مشخصات عمومی توده‌ها و قانون روان شناختی دربارهٔ
۴۵	یکپارچگی روحی ایشان
۵۷	بخش دوم: احساس‌ها و اخلاقیات توده‌ها
۸۱	بخش سوم: نظریات، قضاوت‌ها و قوهٔ تصور توده‌ها
۹۳	بخش چهارم: شکل‌های دینی در یقین توده‌ها
	کتاب دوم
۱۰۱	عقاید و آموزش‌های عقیدتی توده‌ها
۱۰۲	بخش اول: سائق‌های دور در آموزش‌های عقیدتی و عقاید توده‌ها
۱۲۳	بخش دوم: سائق‌های نزدیک و مستقیم در نظریات توده‌ها
۱۳۹	بخش سوم: رهبران توده‌ها و ادوات ایشان در ایجاد کردن یقین
۱۶۳	بخش چهارم: حدود تغییرپذیری نظریات بنیادی و عقاید توده‌ها
	کتاب سوم
۱۷۷	تقسیم بندی و توصیف انواع توده‌ها
۱۷۹	بخش اول: تقسیم بندی توده‌ها
۱۸۵	بخش دوم: توده‌های اصطلاحاً جنایتکار
۱۹۱	بخش سوم: هیئت‌های منصفه در دادگاه‌های منصفه
۲۰۱	بخش چهارم: توده‌های انتخاباتی
۲۱۳	بخش پنجم: مجامع پارلمانی
	راهنمای کتاب در زمینه روان‌شناسی توده

پیشگفتار

در سراسر گیتی، هیچ اثر تخصصی دیگری به اندازه این کتاب گوستاو لوبون^۱، دانشمند فرانسوی که اولین بار در سال ۱۸۹۵ با نام «روان‌شناسی توده‌ها»^۲ بچاپ رسید، معروف و پر آوازه نشده است. کتاب حاضر به ده زبان ترجمه شده است و هر بار در تیراژ بزرگی منتشر می‌گردد.

انسان در هر جایی که امروزه به روان‌شناسی توده‌ها می‌پردازد و یا در پی جستجوی زمینه‌های پنهان روانی و قوانین غالباً معماگونه رفتار آدمی در بطن توده بر می‌آید، هنوز هم این اثر را می‌خواند و از آن نقل قول می‌کند. شکی نیست که این جستجو، امروزه بیش از همیشه رواج دارد. پدید آمدن جنبش‌های توده‌ای بزرگی که خود، طی چندین ده سال اخیر شاهد و قربانی آن‌ها بوده‌ایم، به تنهایی و یا همچنین، توده‌ای شدن

۱. Gustave Le Bon

فزاینده زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما، باعث شده‌اند که ما امروز از پرسش زیر، بمراتب شدیدتر از مثلاً انسان‌های اوایل قرن حاضر، به تکان آییم. پرسش این است که هر فرد، چگونه جزیی از یک توده از لحاظ تشکیلاتی و روانی کم و بیش متحدالشکل می‌شود و چه عاملی باعث می‌گردد تا وی، به کاری دست بزند و یا از انجام عملی خودداری ورزد؟

ولی باید گفت که موفقیت بزرگ و مستمر این کتاب، تنها در پاسخ دادن به این پرسش نیست. این موفقیت از آن‌هم ناشی نمی‌شود که لوبون، اولین کسی بوده که با اثر خود «روان‌شناسی توده‌ها» توجه محافل کثیری را به این زمینه علمی معطوف کرده است. عامل تعیین کننده موفقیت این کتاب، این واقعیت شگفت‌انگیز است که روان‌شناسی علمی، هنوز هم پژوهش در احوال تک شخصیت‌های روانی، یعنی پژوهش در احوال کسانی را وظیفه درجه اول خود می‌داند که ایشان را مجزاً و بی‌ارتباط با جمع می‌انگارد. روان‌شناسی علمی، به «روان‌توده‌ای» که لوبون آن را توصیف کرده، توجه چندانی نکرده است تا بتواند مطالبی را جایگزین آن کند که به همان اندازه وسیع، اما بر نتایج پژوهش‌های تازه‌تری مبتنی باشند. روان‌شناسی یادشده، گاه به این امر اشاره کرده که این یا آن تفکر لوبون، اشتباه یا ناصواب است، اما اثر وی، من حیث المجموع اعتبار خود را از دست نداده و در مهمترین نظریات، تازگی خود را حفظ کرده است. بدیهی است که برخی از این نظریات، با شرایط زمان خود مرتبطند و انسان آن‌ها را هنگامی می‌تواند بفهمد که دنیای شخصی تجربیات و منشاء علمی مؤلف را در نظر بگیرد. از اینرو لازم است که انسان، درباره لوبون و سایر آثار ادبیش، بیشتر از آنچه که امروز از یگانه اثر معروف وی بدست می‌آید، بداند.

گوستاو لوبون در هفتم ماه مه سال ۱۸۴۱ در نورژان لروترو، بجهان چشم گشود و در تاریخ پانزدهم ماه دسامبر سال ۱۹۳۱، در شهر پاریس بر آن دیده بست. در اصل پزشک بود ولی از این حرفه، استفاده علمی نکرد، زیرا خیلی زود به پژوهش و نویسندگی علمی روی آورد. وی حین جنگ آلمان و فرانسه در سال ۱۸۷۰، رئیس بخشی از یک بیمارستان صحرایی ارتشی که از پاریس دفاع می‌کرد، بود. در همین ارتباط، به لحاظ خدماتی که انجام داد، به سمت افسر لژیون افتخاری منصوب گشت. اولین مشاهدات خود درباره هنر اعمال نفوذ در توده‌ها را در همان زمان محاصره شهر پاریس انجام داد و بعدها از آن، در جایی از کتاب «روان‌شناسی توده‌ها» یاد کرد. وی پیش از این جنگ نیز به کارهای علمی از جمله «مرگ ظاهری» (سال ۱۸۶۶) و «فیزیولوژی انسان» (سال ۱۸۶۸) پرداخته بود، ولی فعالیت اصلی ادبی وی که ضمن آن زندگی خود را بطور یکسره وقف آن کرد، هنگامی شروع شد و اهمیتی هر چه بیشتر بدست آورد که پس از جنگ از پزشکی دست کشید و به انسان‌شناسی روی آورد. انسان‌شناسی که در آن زمان به مفهوم گسترده آن یعنی به معنای «علم البشر»، درک و به کار گرفته شد، برای لوبون زمینه فعالیت غنی و گسترده‌ای به منظور پرداختن به مسایل مورد علاقه‌اش، یعنی مسایل مربوط به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شد. علاقه به این مسایل، در او که فرانسوی بود، می‌توان گفت تا اندازه هم به طور مادرزادی، وجود داشت.

این دانش جدید، به رفتار کلی روانی، روحی، اخلاقی و اجتماعی بشر می‌پرداخت و هدف آن، پی بردن به قانونمندی‌های زندگی مشترک

انسان‌ها بود. این امر که در آن هنگام، فیزیولوژی انسان، مبداء تفکر بود، احتمالاً کار لوبون را آسان کرد و با مسیر تفکر وقت در فرانسه آن زمان که بر پوزیتویسم مبتنی بود، انطباق داشت. آگوست کنت^۱، بنیانگذار جامعه‌شناسی، در سال ۱۸۴۲ در کتاب خود بنام «فلسفه مثبت» این نظر را ابراز کرده بود که تنها، ادامه علم زیست‌شناسی فرنولژیک^۲ و آنهم از روی مفاهیم گال^۳ دربارهٔ مجمله‌شناسی، نوید دهندهٔ شناخت‌های مثبت دربارهٔ فعل و انفعالات روانی خواهد بود. پل بروکا^۴ جراح، در سال ۱۸۶۷ در پاریس یک آزمایشگاه انسان‌شناسی دایر کرده بود که در آن، به شیوهٔ او و به روش ابداعیش، اندازه‌گیری‌های مقایسه‌ای بر روی مجملهٔ انسان از نژادهای مختلف صورت می‌گرفت. لوبون نیز در همانجا، مدت‌ها بکار مشغول بود و نتایج پژوهش‌های خود را بصورت کتاب کلفتی بنام «معاینات آناتومیکی و ریاضی، دربارهٔ واریاسیون^۵ حجم مجمله و رابطهٔ آن با مراتب هوش» (در سال ۱۸۷۹) انتشار داد که به آن از سوی آکادمی علوم و جامعه‌شناسی، جایزه‌ای هم داده شد.

موضوع جالب توجه آنکه این جامعه علمی که مؤسس آن، خود بروکا بود، جانشین جامعهٔ اتنولوژی شده بود، زیرا اتنولوژی یا قوم‌شناسی، شاخه‌ای از انسان‌شناسی محسوب می‌شد که وظیفهٔ آن،

۱. Auguste Comte

۲. Phrenologie: دانش خطایی است که می‌گوید از روی شکل مجمله به بعضی از فطرت‌های روحی - روانی می‌توان پی برد. - م.

۳. Gall

۴. Paul Broca

۵. Variation به معنای تغییر و به ویژه در زیست‌شناسی به مفهوم انحرافات افراد یک نوع، در برابر شکل بهنجار آن نوع است. - م.

پژوهیدن دربارهٔ شکل‌های جوامع مختلف و دستاوردهای فرهنگی اقوام ماوراء بحار و بدوی بود تا از این راه، در شناختن قانونمندی تشکیل جوامع انسانی و تطورات فرهنگی آن‌ها، خصوصاً در قارهٔ اروپا نقشی ایفا کند. حتی این تقسیم‌کار نیز بر نگرشی از دیدگاه علوم طبیعی - پوزیتویستی یعنی بر آن تفکر زیست‌شناختی مبتنی بود که می‌گوید والاتر و متنوع‌تر است، نتیجهٔ تکامل آنچه پست‌تر و بدوی‌تر است، محسوب می‌شود و به توسط همان توجیه می‌گردد. همین تفکر تکاملی است که بر اثر بعدی و بزرگ‌تر لوبون، حاکم می‌باشد. وی گذار خود به سوی قوم‌شناسی را با این اثر آغاز کرد و نام آن را «**منشاء و تاریخ انسان و جوامع انسانی**» گذاشت (سال ۱۸۸۱). قوم‌شناسی، زمینهٔ سه کتاب دیگر از گوستاو لوبون را تشکیل می‌دهد. این سه اثر عبارتند از: «**فرهنگ اعراب**» (سال ۱۸۸۴)، «**فرهنگ هندوستان**» (سال ۱۸۸۷) و «**فرهنگ‌های پیشین مشرق زمین**» (سال ۱۸۸۹). این کتاب‌ها و چند سفرنامه که در لابلاهای آن‌ها منتشر شدند، حاصل مسافرت‌های بسیاری هستند که لوبون، به مشرق زمین انجام داد. یکی از سفرهای او به هندوستان بود (سال ۱۸۸۴). لوبون در این سفر، به مأموریت از سوی آکادمی، شمار بناهای تاریخی بودایی را تدوین کرد. حاصل این مأموریت پژوهشی، کتابی مشتمل بر تصاویر، نقشه‌ها و ترسیم‌های فراوانی بنام «**آثار و بناهای هنری هندوستان**» است (سال ۱۸۹۱). ابتکار لوبون در روش عکاسی به گونه‌ای که بتوان بناها را در ابعاد واقعی آن‌ها عکسبرداری کرد، گواه بر آن است که او در فعالیت علمی خود، «**همه فن حریف**» بوده است.

او از طریق مطالعات قوم‌شناختی خود، به دانشی دست یافت که نسبتاً جوان بود و اینطور بنظر می‌آید که آثار قوم‌شناس آلمانی به نام